

جهان از جنایات « جوانان » بستوه آمده است !

جوانان در حدود سن ۱۵ ، ۱۷ سالگی بندای پاکي و تقدس به لوزه در میآیند و آرزو مند میشوند که جهان را از نو تشکیل دهند، بدبهارا محو و نابود سازند و عدالت مطابق را حکمفرما کنند .

« بر کسل »

* * *

چندی قبل مطبوعات جهان نوشتند که در سومین کنگره سازمان ملل متحد اعلام شد :

جهان از جنایات جوانان بستوه آمده است !

این کنگره که با شرکت هزارتن از قضات و جامعه شناسان برجسته برای پیشگیری از جنایت و تداوی جنایتکاران در « استکهلم » تشکیل شده بود با توجه باین نکته که جلوگیری از جنایت مفیدتر از تنبیه جنایتکاران میباشد حاصل کار یک هفته خود را بصورت چهار اصل زیر در اختیار همگان نهاد :

۱ - مبادله اطلاعات و تجربیات بین سازمانهای پلیس کشورهای مختلف .

۲ - نقش طبیب و بهداشت عمومی :

اعضاء کنگره از اینکه پزشکان و بخصوص روانپزشکان بتداوی فردی اهمیت میدهند و مسائل روانی را کمتر از جهت جامعه شناسی مورد مطالعه قرار داده اند متأسف هستند و امیدوارند سازمانهای طبی در زمینه پیشگیری از جنایت با سازمانهای ذینفع همکاری کنند .

۳ - نقش پلیس در پیشگیری : کنگره پیشنهاد میکند که پلیس هر کشور گروه مخصوصی برای پیشگیری از جنایت داشته باشد و این سازمان از اعمال فشار بخصوص بر خاطیان خردسال خود داری نماید و بیشتر در فعالیتهای آموزشی و تفریحی جوانان فعالیت کند .

۴ - کنگره پیشنهاد میکند که اجتماع نقش بیشتری در پیشگیری از جنایت برعهده گیرد و روی مسئله « هدایت حرفه‌ای » و « شغل‌یابی » برای جوانان تکیه میکند .

* * *

خواننده محترم ! این بود نتیجه يك هفته تکا بو و فعالیت بزرگترین سازمان بین‌المللی جهان برای پیشگیری و تداوی فساد و جنایت جوانان !

یکدفعه دیگر مواد فوق‌را که حاصل بررسیهای مداوم هزارتن از قضات و جامعه‌شناسان برجسته دنیا است مطالعه فرمائید ، ملاحظه کنید صحبتی که در کار نیست ، صحبت از اعتقادات مذهبی و اخلاقی جوانان است ! حتی در اصل سوم مسئله آموزش و تفریح جوانان مورد توجه قرار گرفته اما با کمال تأسف به موضوع اساسی پرورش و فضائل انسانی کوچکترین اشاره‌ای نکرده است .

بدبختی در اینجا است که این آقایان درد را احساس میکنند و متوجه شده‌اند که جهان از جنایات جوانان بستمه آمده اما کمترین توجهی بانگیزه و علل بنیادی جنایات و مفاسد ندارند و یانمی خواهند داشته باشند !
محافل و سازمانهایی هم که امروز در گوشه و کنار مملکت ما بعنوان رهبری نسل جوان ! تشکیل شده نه تنها مسئله مذهب مسکوت است بلکه در تنظیم برنامه‌ها و اجراء آن مذهب مورد بی‌اعتنائی شدید قرار گرفته .

ما معتقدیم تا وقتی که ایمان بخدا و فضائل اخلاقی زیر بنای برنامه‌های اصلاحی سازمانهایی که بمنظور راهنمایی و جلوگیری از انحرافات نسل جوان تشکیل میگردد قرار نگیرد ، صدها کنگره و سازمان ، تشکیلات و سمینار و هزاران نفر دانشمند و روانشناس ، صرف وقتها و بودجه‌ها کوچکترین اثری نخواهد داشت و روز بروز ، عقده‌ها ، ناراحتیها ، عصبانیا و طغیانهای نسل جوان توسعه پیدا میکند تا آنجا که میتواند جامعه‌ای را تباه سازد و مملکتی را ویران کند ...

* * *

اکنون با توجه بانچه که در این مقاله و در مقالات شماره‌های قبل گذشت نظر خوانندگان محترم مخصوصاً پدران و مادران و رهبران لایق و دلسوزی را که میخواهند جوانان را از بی‌سرو- سامانی رها ندهد و تمایلات پرشور آنان را در مسیر صحیح سوق دهند ، به دو موضوع زیر جلب میکنیم :

۱- احراز استقلال و شخصیت

در دوران بلوغ يك سلسله تمایلات خود بخود در ضمیر جوان پیدا میشود که باید

آنها را پرورش داد ، این تمایلات اگر پرورش پیدا نکنند از بین خواهد رفت و اگر در مسیر انحراف و ابتذال سوق داده شود همانند انبار باروتی است که اگر دم آتش رود منفجر می‌گردد . در کتابهای روانشناسی مینویسند :

دوران بلوغ ، بیک معنی دوران بحران و جنون است . رسول اکرم (ص) هم فرمود :

الشباب شعبة من الجنون .

در این دوران بحرانی و خطرناک باید روح متلاطم و سرکش جوان را بواسطه موازین علمی؛ اخلاقی و با تکیه ایمان بخدا کنترل کرد و بامندی صحیح آرام رام او را با اهداف عالی انسانی آشنا نمود .

احراز استقلال و شخصیت از تمایلاتی است که در دوران بلوغ جوان بروز میکند ، وی در این دوران میخواهد خود را بسازد ، خود را با شرائط محیط منطبق کند و بتواند در جامعه یک فرد مستقل باشد .

شاید این مسئله در زندگی نسل جوان منشأ قسمت عمده انحرافات است که با آن دست بگریبان میباشد ! و از این نظر مریبان لایق ، و آنتهاییکه میخواهند جوانان مملکت را بایک وضع شایسته تربیت کنند باید بیش از هر مطلب متوجه این نکته باشند که جوان از چه راهی شخصیت خود را احراز و ابراز کند و باور نماید فردی است مستقل و مورد احترام و چگونه عواطف و تمایلات خود را در این راه بدون افراط و تفریط ارضاء کند .

البته اولین کسانی که هدف این برخورد و تغییر روش و جهش ناگهانی قرار میگیرند پدر و مادر جوانند ، آنها باید بخوبی متوجه باشند که در این مرحله نوجوان آنها دوران کودکی را پشت سر گذارده و بدنای جدیدی قدم میگذارد که با تمایل با آرایش و تجمل ، خود نمائی و خود آرائی میخواهد خود را نشان دهد و اثبات کند که من کودک سابق نیستم بلکه انسان کامل باشخصیتی میباشم که اجتماع باید مرا در خود بپذیرد .

در این اوان پدر و مادر باید با توجه به تمایلات گوناگون جوان خود ، شخصیت وی را نکوبند و تمایلات او را در راه بدست آوردن شخصیت واقعی انسانی راهنمایی کنند و توجه داشته باشند که وظائف و تکالیف را در حدود قدرت و ظرفیت جوان متوقع باشند و کاری نکنند که وی در نیمه راه کسب شخصیت و فضیلت خسته و ناتوان گردد .

پینمبر گرامی اسلام بآن پدران و مادرائی که فرزندان خود را در کارهای نیک مساعدت میکنند و در میفرستد و وقتی از آنحضرت سؤال میشود چگونه آنها را در این راه یاری کنیم؟ میفرماید:

آنچه که مقدور اواست از وی بپذیرید و از آنچه‌هایی که برای او قابل تحمل نیست بگذرید () .

بالاخره در فن تعلیم و تربیت مهمترین عامل را برای تربیت جوان احترام به شخصیت او می‌شمارند و می‌نویسند : نوجوان در مملکت خانواده باید وزیر مشاور باشد و در تصمیماتی که پدر و مادر می‌گیرند از او هم مشورت کنند .

جالب توجه اینجاست که پیغمبر گرامی ما فرزندان را در ۷ سال سوم بعنوان وزیر معرفی می‌فرماید (۲) و دستور میدهد بفرزندان خود احترام کنید (۳) .

۴ - توجه به احساسات مذهبی

جوان در دوران بلوغ مانند یک نهال تازه است که در صحنه باغ عرض اندام میکند ، استعداد دارد بهترین گل و بهترین نهال را بیاورد . در این ایام هنوز تحت تأثیر آفات محیط قرار نگرفته و مزاج وی فاسد نگشته و اصول فضیلت طبیعی خود را از دست نداده است .

بنابراین مزاج نوجوان بطور طبیعی مزاج تقوی و پاکی است ، (۴) او در دوران بلوغ میخواهد راست بگوید و درستکار باشد ، مایل است جهان را از نو تشکیل دهد ، بدیهه‌ها را محو و نابود سازد و عدالت مطلق را حکم فرما کند .

این نکته مورد اتفاق همه روانشناسان است که احساس مذهبی در دوران بلوغ یکی از اساسی‌ترین تمایلاتی است که باید بآن توجه نمود .

موریترا استاد دانشگاه استراسکوه می‌نویسد :

همه روانشناسان در این نکته متفق القولند که ما بین بحران تکلیف و جهش ناگهانی احساسات مذهبی ارتباطی وجود دارد ، در این اوقات یک نوع نهضت مذهبی حتی در کسانی دیده میشود که سابق بر این نسبت بمسائل مربوط بمذهب و ادیان بی‌قید بودند و در سنین پختگی

(۱) رحم الله والدین اعا ناولدهما علی بره قیل یا رسول الله کیف نعینه علی بره ؟ قال (ص) یقبل میسوره و یتجاوز عن معسوره .

(۲) الولد سید سبع سنین ، و عبد سبع سنین ، و وزیر سبع سنین .

(۳) اکرموا اولادکم .

(۴) حضرت امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرماید : و انما قلب الحدیث کالارض الخالیة ما لقی فیها من شیء قبلته : قلب جوان همچون زمین خالی است ، هر تخم که در آن افشاند شود بپذیرد .

نیز دوباره لاقید ویی اعتنا میشوند ، !

باز در این مرحله هم نخست پدران و مادران باید بفریاد نونهالان خود برسند و پیوندهای صحیح مذهبی را در آنها تقویت کنند و بدانند اگر احساسات مذهبی جوانان کشته گردد و بایک سلسله موهومات و خرافات منحرف شود دیگر مشکل بنظر میرسد که بتوان آنها را بامذهب و تعالیم عالی مذهبی پیوند داد ! و این مسئله اگر تعمیم پیدا کند بصورت ضایعه‌ای غیر قابل جبران درخواهد آمد ...

پیغمبر گرامی اسلام از پدرانی که بفرزندان خود تعالیم مذهبی نمی آموزند و گاهی هم آنها را منع میکنند ، شکایت کرد و فرمود : « اینان پیرو من نیستند » ! .

حال به صدر مقال برگشته و بآنها که خود را رهبر نسل جوان میدانند ، نسلی که باید فردا راهبر و پاسدار جامعه باشد ، اعلام خطر می کنیم که عدم توجه به احساسات و تمایلات پاک مذهبی جوانان منشأ قسمت عمده مفاسد و جنایاتی است که با سرعت و حشمتناکی شیوع پیدا کرده و نسل نورا در عین معصومیت گنه کار و لالایی با رمی آورد ، اگر باین انگیزه اساسی مذهبی هر چه زودتر تکیه نگردد بطور مسلم کاری از پیش نمیرود و متهم کردن جوانان هم کاری است غیر عادلانه و باید بجای جمله : جهان از جنایات جوانان بستوه آمده است ، جمله : **جهان از جنایات بزرگسالان بستوه آمده است ،** را بکار برد .

گناه پنهان و آشکار

رسول اکرم میفرماید :

ان المعصية اذا عمل بها العبد سرا لم يضر الاعمالها

و اذا عمل بها علانية ولم يعير عليه اضررت بالعامه .

یعنی : گناه پنهانی تنها بگناهکار ضرر میزند ولی گناه

آشکار اگر مورد اعتراض عمومی قرار نگیرد ! بعموم مردم ضرر

میزند .

قرب الاسناد ۲۶